

ثبت خواهند کرد و این که می فرمایند مقتضی حال نیست بلت عدم افتضاه شاید نظر شان باین باشد که شاید مردمانی باشند که کافی ولایت برای ایسکار باشد ولکن مکرر بدادن وجه الضمانته نباشد و این اسباب این شود که آنها معروف بمانند از این خدمت این صحیح است اگرچه این بات اندازه مبادرین نبت را بخوبی خواهد انداخت و کمتر اشخاص بهم خواهد رسید برای این اداره اکن اشخاص کمتر بهم برمند و مقید باشند بهتر است از یک مردمانی که محل اطمینان مردم نباشد بدون وجه الضمانته وارد شده باشند و پنهان هرچه می گفتم وجه الضمانته چه از برای صاحب جمهوری ولایات نقدی جنس وضع شود یا وضع نتود از برای حفظ مالیات و بیت المال ولی در مرد این اداره بخصوص عرض می کنم که بندی لازم می داشم و یکی از اسبابهای مردم که موجب ابقای این اداره است این وجه الضمانته است .

**آقاشیخعلی‌شیرازی** — در شود اول هم پنهان مخالف بودم با این وجه الضمانته و عرض کردم اگر بگوئم که بیست نومان یا سی یا چهل نومان مثلاً بول بدهد برای این — اگر خلافی کرد و خسارتنی بکسی وارد آورد آنوقت از آن وجه الضمانته آنحضرات را بدنه بندی عرض می کنم اگر خسارت بیش از آن وجهی شد که بعنوان وجه الضمانته داده است آنرا کم خواهد داد کی از عهد برمی آید و این اسباب این می شود که فقره معروف می شوند از این کار و آنکه این بول هم بول مالیه نیست بلکه وجه قلبی است که از برای ثبت می گیرند و آنرا هم که مبادر تحویل می دهد جزی بیش اونی نماند بعلاوه این وجهی که از او گرفته می شود و بصدقی سیرده می شود ترتیب صندوق معلوم نیست و آنای مشیرالدوله هم تصدیق کردنده است اگر این نظر نبود تصدیق می کردم اگرچه جون این نظر هست منهم این نظر را دارم اینقدر را تصدیق فرمودند

**هزارالملک** — این چادو مسئله است که باید سنجید که کدام بات مهتر است آنوقت آنرا انتخاذ کرد بکی آنست که کسانی که مخالفند باوجه الضمانته بگویند شاید اشخاص قابلی باشند و قیمت باشند که توانند وجه الضمانته بدهند آنوقت معروف از خدمت شوند و اینرا هم نباید نصور کرد که این وجه الضمانته ده هزار نومان خواهد بود که اغلب نداشته باشند بلکه وجه کمی است که بتوانند از عهد برا آیند آنوقت به بیرون فقط برای این که بلکه عده معروم نباشند به فرمایشی وارد خواهد شد برما جون این اداره بلکه اداره اجرواری نوشت که مردم مجبور باشند اسناد خودشان را به برند ثبت کنندیک اداره اختوار است هر کس مختار است که سند خودش را ببرد ثبت بگذارد و چون این اداره برای مالیات نافم است و هرچه از این اداره تربیع زیادتر بشود در مملکت البته بهتر است و منافع حالی و مالی دارد و بزرگتر چیزی که می توانند خروج این اداره باشند همان اعتبار این اداره است و این اداره مالام که بلکه اعتبار کلی

واینکه ماینرا موکول می کناریم از برای اینکه هر وقت از برای کلیه صاحب جمهوری دولتی یک قانون نوشته ام آنوقت در ضمن این موادهم باشد این نمی شود بجهت اینکه در صاحب جمهوری دولتی بواسطه اینکه آن یک وجه الضمانته کلی لازم دارد شاید دچار اشکالات دیگر شویم و اینجا درخصوص مبادرین آنقدرها وجه الضمانته لازم ندارد جون چون چون جزئی است باید باشد بملوک از برای تأمین حقوق اشخاص دیگر است در اینجا این وجه الضمانته و درخصوص مبادرین دولتی از برای تأمین و تضییں وجود دولتی است تصور خود باشخاص نمی شود .

**آقاسیدحسین‌هرمیس** — این مطلب خوبی مذاکره شد جهت اشکالش همین لفظی است که چنان کردند از بابت عدم افتضاه حال است مقصود این است که نه این همه که اشکال دیگری داشته که راجع بنظر پنهان بوده است همچو صلاح دیدند که امروزه مملکت درخصوص این مواد این افتضاه را ندارد اگر بطور کلی یک وجه الضمانته برای کلیه صاحب جمهوری دولت تعیین شود اینهم یکی از آنها باشد نکته این بود واما آن آن بیانیکه آقای حاج آنا فرمودند در باب خسارات خواهد آمد که خواهند آمد که خواهند آمد از برای میشود بر مبادرین قبیت منحصر است با آن وجهیکه از برای ثبت اسناد گرفته است و اسناد را ثبت کرده است و آن خسارات آنقدرها افتضاه ندارد که بلکه بول تقدی در صندوق بگذارد خصوص حالا که نمی داشم ترتیب صندوقها چه قسم است .

**رئیس** — مذاکرات کافی است .

**حاج آقا** — کافی نیست هرچند دارم .

**رئیس** — اگر بخواهیم مذاکره کنیم ۱۲ نفر قبل از سر کار اجازه خواسته اند پس رای میگیریم در اینکه مذاکره راهم این کافی می دانند یا نمی دانند که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند .

مذاکرات معلوم می شود کافی نیست آقای افتخار — الاعظین بفرمایند .

**افتخارالواعظین** — اینجا بند از برای اینکه فرمایشات آقامیرزا ابراهیم خان و آقای حاج آفاردا تکرار نکنم هرچند می گفتم که آقای مدرس فرمودند اگرچنانچه در رایورت کمیسیون نوشته شده است بافتضاه حال بوده است بند هرچند و گنم بلکه افتضاه حال اینست که وجه الضمانته را بدهد برای اینست که امروز باید ملاحظه حال مردم و وضع مردم را بگذاریم مردم وقتی مطمئن خواهند شد که بینند ملاحظه هم و می نویسد ( مبادرین ثبت باید قبل از باشرت بشغل خود مبلغی بعنوان وجه الضمانته برای اداری خسارات وارد هر اشخاص و جزاءهای تقدیم که در صورت تخلف مبادرین ثبت از وظایف خود بهده آنها وارد می آید در صندوق معکوس بگذارند این محل تدبیع نمایند و مقدار آنچنانچه را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه در داخله مین خواهد کرد پس دونظر در اینجا هست یکی راجع بخساراتیکه باشخاص وارد می شود مثلاً راجع بامارات مردم یکی راجع بمالیه دولتی پس نهایا راجع بمالیه دولتی ثبت راجع باشخاص هم هست و نمی شود در آنها مراجعت بگنیم چون بعضی اوقات راجع می شود باما ناتیکه بیش مبادرین ثبت گذشته اند وقت هم هیچ ثابت نمی شود که این وجه الضمانته را می گیریم از برای اینکه اگر او خلاف کرد ما او را جریمه کنیم بلکه بیک و سیله تجدیدی و تامینی است برای کسیکه این وجه الضمانته را داده است و بیک محرك داخلی هست و اورا منع می کند که مرتعکب خبط و خطا نشود و بیک حس اداره بسر این ها پیش خواهد آورد که روسای دوازه رامطعمه خواهد کرد که اگر پنجه تومن فلان صندوقدار از هایدی و ایوا بجهی خودش کسر آورده و به جه و سیله آوجهی که شاید عاید بیت المال مملکت بود از این می گیریم و بند بکلی مخالفم با اینکه این چندماده وجه الضمانته از این قانون ثبت اسناد خارج بشود ما اگر چنانچه قانونی از برای تضمین صاحبان چمع و مبادرین دولتی وضع خواهیم کرد و مقرر خواهیم داشت چه ضرر دارد که پنج ماده هم راجع به ثبت اسناد در قانون ثبت اسناد معین کرد و نگوییم بلکه وقتی از برای اداره مالیه هم معین خواهیم کرد و اگر معین خواهیم کرد که معلوم است هیچ وقت نمی خواهیم بطور مستحب مرتباً و منظم شده باشد و بند در اینجا چون آقای مغیر شریف زاده ندیبلی مشهوف خواهیم شد که حضرت آقای مدرس که شریف داشته اند و شایدهم پیشنهادی کرده اند برای حذف آن .

مواد اکر دلایلی دارند از برای قناعت بند خواهند فرمود .

**آقامحمد** — بند در فرمایش آقای آقا .

میرزا ابراهیم خان عرضی داشتم راجع به بیت المال که در ضمن بیانات خودشان فرمودند گرچه صحیح است که خواهه دولت داجع بیلت است ولی در آنسال داصطلحی که دضم شده است راجع بخزانه دولت وضع نشده است و بند این را در دارمی گنم و امو توام بشنوم .

**حاج آقا** — بند کاملاً موافق با رای بودت اول کمیسیون که این هشت ماده باید باشد و تمام فرمایشات آقا میرزا ابراهیم خان را تصدیق می گنم و دلاوه براینکه راجع بمالیه دولت و دولت فرمودند باید آنکسیکه این مالیه دولت احت و بیک وجه الضمانته هم بدهد علاوه بر این بلکه خصوصیت دیگری هم دارد که باید انسان همانند باشد که مالی دا از دولت میگیرد مصون و محفوظ بماند همان ترتیبیکه در قانون ثبت اسناد خواهند شد علاوه بر این هرچند می گنم که این مخصوص بمالیه دولت نیست برای خسارات بر اموال مردم هم هست که در ماده هشت اگر ملاحظه بفرمایند می نویسد ( مبادرین ثبت باید قبل از باشرت بشغل خود مبلغی بعنوان وجه الضمانته برای اداری خسارات وارد هر اشخاص و جزاءهای تقدیم که در صورت تخلف مبادرین ثبت از وظایف خود بهده آنها وارد می آید در صندوق معکوس بگذارند این محل تدبیع نمایند و مقدار آنچنانچه را وزیر عدلیه با موافقت وزیر مالیه در داخله مین خواهد کرد پس دونظر در اینجا هست یکی راجع بخساراتیکه باشخاص وارد می شود مثلاً راجع بامارات مردم یکی راجع بمالیه دولتی پس نهایا راجع بمالیه دولتی ثبت راجع باشخاص هم هست و نمی شود در آنها مراجعت بگنیم چون بعضی اوقات راجع می شود باما ناتیکه بیش مبادرین ثبت گذشته اند







او واقعیت هم نداشته باشد ملزم میکند اور ایندیگونیت  
حالا باید دید که این مفهوم کلی باو اطلاق می شود یا به اینه  
معلوم است که اطلاق شود و این را افراد میگویند و  
همانطور که آقای حاجی امام جمعه فرمودند انکار بعده از  
افرارهم مسروع بخواهد بود

**همین الرعايا** - پنده اولا خیلی افسوس دارد  
که قانون قبول و نکول بروات با آن متن انتساب نکردن مجلس  
گذشت ماچرا با این مواد بخواهیم آنها را الغو کنیم و  
کمان میکنم برای اینکه این مواد که بخواهد از  
مجلس بگذرد مجبور شویم در آن به بازیگردانه برای  
اجرای همین مواد از مجلس بگذرانیم اما این مواد تقریباً  
مدبون همانماده بود که پارسال گذشته است و اگر لابد  
باشید از گذراندن اینماده تصور میکنم آن اظهاری  
را که آقای حاج امام جمعه کردند بهتر است بجهت  
اینکه اتفاق میافتد که نمیتوانستند پول را گرفته ام و  
مهمول در بروات اینست که می نویسم مثلا من هزار تومن  
از عمر و گرفته ام افرار میکنم در برات که این وجه را  
گرفته ام - اگر بخواهید اولی را بهم بزنید این را  
مهمول بدارید بهتر است \*

**بهجهت** — تا امروز که بیفت برات گردن در مملکت ما اشکال مختلف داشته است یعنی هر کسی که برات مبکرده است بکفایتی برات میگرده است و از امروز ما میخواهیم یك کاری بکنیم که وانتی کسی برات کرده مدیون باشد یعنی پکفانونی بنویسیم که مردم بدانند که کسی که برات کرده باید ملزم باداء آن باشد و اینماده متکفل همین معنی باشد یعنی مردم بفهمند که چه قسم حواله بدهند و برات بگفند این شکلی که آقای حاج امام جمعه فرمودند صحیح است که اگر کسی بنویسد که من اخذ این وجه را کرده ام و افراد بعده بیویست بگفند این صحیح است در این صورت ملزم است باداء لکن یك قطعی نگرده است مسئله را یعنی مملکتی است حواله گفتنده تصریح بگند برات بگند بعد هم قریم نباشد چون افراد نگرده است حواله می دهند بطرف خودش که نلازقدر دستده بول باان کس آن وقت این قانون قبول و نکول بر وات شامل آن بودست پس ما باید چه بگنیم که این مواد راهم شامل باشد بجهة اینکه این ماده را اگر بنویسیم حکم آن شق را نگرده یعنی در صورتی که افراد نگردند

امضاء را افرار می داند حالا این مردم اگر یول  
گرفته‌اند امضاء می‌کنند اگر نگرفته‌اند تهی کنند  
و دولت از مرای این‌که کلبه برداشت پل انتظام  
داشته باشد می‌گوید هر کسی برآن را امضاء کر  
مال‌امضای او دا جای افرار می‌دانیم این‌چه فایده  
می‌کند این فایده را می‌کند که برات کنندگان ما  
یول نگرفته‌اند تا سند نگرفته‌اند یا اطمینان کان  
حاصل نگردد اند حواله نمی‌کند والبته در میان این  
مواد هم ممکن است قید بکنیم که وقتی برات بکند  
که اطمینان از طرف مقابل داشته باشند یعنی خودش  
خودش را از هرجه آسوده کرده باشد یعنی یو  
گرفته باشد با کمال اطمینان ییدا کرده باشد بطور  
که مثل این باشد که یول را نگرفته باشد حالا ممکن  
است در آنجا قید کنیم که هر کس برات می‌کند حتی  
باشد در برآنش افرار بکند که این یول یعنی رسیده  
تا این‌که امضا اورا یعنی افرار بدانیم والا ا

خیلی از بروات فرض می شود یعنی حواله دهنده بروات دهنده حواله می کند که تا يك ماه دیگر آرا بدهم باید این که در این مدت پول را بگیرد پس فقط برات دلیل نمی شود صراحتاً هر اشتغال ذمہ حواله دهنده واین را که آفای مخبر می فرمایند بعد از این که این فانون را وضع گردیم آنوقت امضاء حواله کننده را دلیل بر اشتغال ذمہ او قرار می دهیم هرچه می کنم اولاً ما نمی توانیم فانون مخالف تو این شرعیه بنویسیم و چیزی داشته باشیم که حواله گردید بگوئیم اشتغال ذمہ می آورد این را نمی توانیم بگوئیم بجهة این که امور خلق با جبار نیست می بینم کلیه نمی توانیم این را تصویب کنیم که مجبور شوند پول بگیرند بعد برات کنند بجهة این که يك مرتبه می بینند که پول ندارد امور تجارتی هم مخصوصاً نصفش بهمین طریق می گذرد چونین نیست که همه بشه پول موجود داشته باشند اغلب بنسیبه این معاملات داقع می شود و مانعی تو این مجبور کنیم اینها را که حتماً پول بگیرند و برات کنند از آنطرف وقتی که امضاء کردند فقط امضاء آفران دلیل اشتغال ذمہ او قرار بدهند چون مخالف شروع است پس پنهان موافقم با آنچه که آفای حاج امام جمعه فرمودند وهمانطور صحیح است.

آقاشیخ ابراهیم زوجانی - بنده کمان ندارم  
کسی که حواله کند بفلان آدم که فلانقدر پول بده  
باين شخص ونه از او پول گرفته باشد به قبض گرفته  
باشد یا این که با مدیون نباشد و این وجهی را که  
حواله می کند دراده دبن خودش باين شخص حواله  
نکرده باشد یا چنین چیزی نمی شود که حواله بکند  
و هیچ یک از اینها را نکرده باشد لااقل  
یک دست گردانی می کند حالا این ماده  
پرای اینکه قبل از اینکه برات بکند یا پول از او  
بگیرد یا سندی «اجز دیگری از او بگیرد آنوقت  
با انتقال ذمه حواله بکند که هر کار حواله گردد بگردد  
تو آنکه بگوید من مشغول الذمه نبودم و اگر آنطور  
باشد که قبض بکند که من فلان قدر پول گرفته ام تو  
به آن مثل یک سندی است - یگر قانون حداکثر  
لازم ندارد .

**الاجراء ميدانم.**

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** — بنده فهمیده آیا بکجا برخورد صحبت‌های آفای و کیل الرعایا صحبت در قبول و قبولی نویسنده نبود در ماده اول مذاکر بود ماده اول این بود که بر اتن کفته بر اتن کرده است بوج آن بر اتش مشغول نمی‌است نمی‌تواند بگوی که مشغول ذمه نیستم بر همه من نیست ابساً اینه ما نظر بقولی نویسنده ندارد.

**حاج سید ابراهیم** — بنده می‌توانم عرف کنم این بیان آفای حاج امام جمعه خیلی صحیح است که انکار بعده افرار مسوع نیست اما باید دید افرار را اعرفاً به چه میگویند مثلاً تلگراف در لسان شرع نیست بجهت اینکه سابقاً نبوده است حالاً کسی تلگرافی می‌کنند هم می‌گویند که افرار کرده است و افرار هم مستلزم باشغال ذمه واقعی نیست کسی نگران است کسی که افرار می‌کند مستلزم این است که واقعی خوش حسابی بمردم نشان بدهد بعد از یک‌سال

**حاج و کیل الرعایا** — مقصود از این کار این است که اجر را در از مطلع نگذارند و تکلیف اورا یعنی تکلیف آوه مجریه پیش پیش معین شده باشد اگر بنده در مجلس پلکان فرق موافق هم نداشته باشم لا بد من بعرض آقا بان بر حاشیه شاید اتفاقات فرموده موافقتی حاصل شود گمان می‌کنم اگر مادر ارضی می‌شدم که تمام تعهدات را بر گیرم نه وجه قرارمی‌دادم یعنی آن کسی که پول می‌گیرد دعواه می‌دهد بعده او قرار می‌دادم هیچ دچار اشکالات نمی‌شدم و اگر این مطلب مختصر و توضیحی لازم دارد آن را عرض کنم که توجه فرمایند شاید هر ارض بنده پرایی ربط نداشته ممکن است پلک شخصی پلک یاری بگیرد و دو بگیرد را هم پلک محلی بفرستد آن شهنش هم چندان مقید بشرف و آبروی خود نباشد پلک سال دو سال برود پلک جانی بماند و در آن مدت هم خوش حسابی بمردم نشان بدهد بعد از یک‌سال

بمحض امضاء کردن برات این امضاء دلیل برآشته  
ذمه نمی شود به محض برات کردن که به آدم  
با به یک شخصی که طرف او است بنویسد که فلان می  
پول بفلان شخص بدءاًین دلیل نمی شود که  
اگر مشغول است اسکن در اغلب پروات معمول  
است می نویسد که من فلان  
مبلغ پول از فلان آدم گرفتم شما بفلان آدم بدء  
این در واقع افراد است بگرفتن پول اشتغال ذمه خود  
اگر بعد انکار کرد چون انکار بعد از افراد مسموم  
بست ذمه او مشغول است اینکه بدء بنتظام اینظر  
مبارید با آقایان هم شود کردیم که نوشته شود چو  
شخص برات دهنده در برات خود تصریح به اخذ و  
آن می نماید لذا اگر بعد از برات کردن انکار مدد  
بودن خود را نماید پذیرفت و اهد شد امامین بفرمات  
نوشته است بآدمش که هدیه قدر پول بفلان آدم بدء  
دیگر نمی نویسد که من گرفتم شما آنجا بدهید اما  
اینطور بنویسد این امضاء سبب اشتغال ذمه نمی شود  
اینکه در ماده اول قانون نوشته شده است قدری اعم از  
در مدعای این است که چیزی که بدء بنتظام مبارید و  
آقایان شور کردیم این ترتیب بهتر بنظر آمد گر  
آنچه در برات که نوشته باشد که من این پول را گرفته  
خیلی کم است لکن قانون باید محیط باشد به تمام افراد  
خودش و بدقت ملاحظه کرده باشد جزئیاتی که در آن  
قانون واقع مبتداً و پس اینطور نوشته شد  
بهتر است.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — نظری که آن را مودد نظر صحیح است ولکن هر گاه برات چنین چیزی ناشد که من پول را گرفتم بدهید او دیگر این قانون را نمی خواهد پس از آنکه نوشت من فلان پول را گرفتم شما بدهید این دیگر قانون نمی خواهد این دیگر انکار ندارد چطور انکار میکند در این صورت باید بدهد این شکی ندارد اگر قبول نکند پذیران خواهد شد این قانون از برای مطلق برات است حواله میکند کسی که فلان قدر پول بدهد و یک پول بگرفته است و این حواله را گردد است اگر نداد مشغول الذمه کبست این ماده برای این است که آنکه پول را گرفته و حواله داده است مشغول الذمه است چون در خارج کسی که پول نگرفته است گاه میشود حواله با اطمینان آنکه بعد پول میگیرد اگر این طور باشد صحیح واضح است اما اگر چنین قانونی وضع کردیم که هر گز شیخ ابراهیم (آقا زنجان را بسوق نمادر این قانون را گرفرمایشی بدهد دو شور شود اصور سکردم الگی نیست ؟ (نیست) ت رای مپذکرید

کسی برات را نوشت این دلیل گرفتن است و دلیل اشته ذمه او است آن وقت او تایول نگرفته است برات خواهد داد یعنی حواله نمی‌کند والا اگر بنا باشد و قتی حواله نمی‌کند بنویسد که من این یول را گرفته ام در اینصور دیگر اینماده رالازم ندارد باید بدهد و دیگر نمی‌داند معنی ندارد اینکه اینماده را نوشتید برای اینست اینماده فانونی ملزم کند براینکه خودشان را مشغول نباشند و یول را گرفته حواله بدهند و خودشان را ملزم نباشند که بعد از گرفتن یول حواله بدهند نگرفته حواله نمی‌کند والا اگر نگرفته حواله نمی‌کند بدانند که در صورت که یول به او نرسد باید بعد بجهة اینکه این حواله نوشتن دلیل بر اشغال ذمه او خواهد شد .

**آقامحمد** — همانطوری که آقای حاج افروز فرمودند که تا افرار نکند نمی‌توان حکم باشتن ذمه او کرد بنده هم موافقم و بملاوه عرض می‌کنم قطع نظر از این که در برات افرار پاخته وجهه گرفتار باشد یا نگرفته باشد خود آن می‌بینیم مخصوصاً

**حاج سید ابراهیم** — این راپورت سابق از کمیسیون بودجه آمده است چرا بکمیسیون دیگر برود.

**رئيس** — حالا میخواهید بکمیسیون بودجه برود و بکمیسیون دیگر نرود اه. بیت ندارد دستور مجلس هم تغییر نمی کند همانطور که بوده است —

دستور شنبه ۱۸ فانون قبول و نکول بروات —

لا یافته استقرار — فانون پستی پنجشنبه ۲۰ —

نرا درداد خالصجات شنبه ۲۲ — فانون استخدام —

حقیقتی فانون ثبت اسناد.

**رئيس** — مخالفی نیست؟

**حاج عزیز الحملک** — کنترات مسیو مولیقز که معاون وزارت پست تقاضا کرد در این هفته جزء دستور باشد اگر مخالفی نباشد جزء دستور این هفته راه روزی را که صلاح میدانید بگذارید.

**رئيس** — اگر قبل از روز شنبه رسید که جزء دستور شنبه مبکندازیم والا جزء دستور پنج شنبه شود.

(مجلس زیم ساعت از شب گذشته ختم گردید)

۴۴۶

## صورت مشروح روز سه شنبه شهر ربیع الثانی

مجلس سه ساعت و نیم قبیل از غروب هر روز است آقای  
وئمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع قبیل از غروب رسماً  
وزیر شد.

آقای معاون‌الملک صورت مجلس یوم شنبه ۱۵ آذر  
فرائت کرد.  
(اسامی غائبین جلسه قبل برگزید ذیل فرائت  
نداشتند.)

آقايان : دکتر امیر خان — اسدالله خان  
کردستانی — دهخدا — حاجی امام جمعه بدون اجازه  
آقايان : آقا شیخ رضا — حاجی شیخ علی  
آقا شیخ ابراهیم باجاره غایب بودند.  
و آقايان : ذکاء الملک و آقا سید محمد باقر  
دیوب نسبات و حاج آقا چهل و یک رفیعه بعد از وفات  
قره حاضر شدند.

**دکتر امیرخان** — بنده در جلسه قبل حاضر  
و دم آفای رئیس بندهرای برای کار مخصوصی فرموده  
و دنده تعجب پیکنم با وجود این بندهرای غائب نوشته

اد و باداره پاشرت اطلاع نداده اند.  
رئیس - صحیح است فراموش شده و اصلاح  
شود. آقایان معاصد السلطنه و آقای آفاسیخ محمد  
بابانی از کمیسیون داخله استعفا داده اند و آقای  
عززالملک هم چون در سه کمیسیون انتخاب شده اند  
این جهت از کمیسیون نظام استعفا داده اند در چله

بنده باید بجای ایشان هم انتخاب شود — رایورت  
شعبه سیم در باب نماینده نایبات است آقای منصره  
سلطان خودنام باید بخواهد.  
(آقای منصرالسلطان رایورت شعبه سیم را  
بهار قرائت کردند.)

بتاریخ پنجم شنبه ۶ ربیع الثانی شعبه سوم در  
بعثت ریاست آفای آفای آفای ابراهیم زنجانی تشکیل  
در خصوص اعتبار نامه معدل الدواه که در شعبه ساق  
بعثت آن رای داده شده و بواسطه مکاتبیی که رسیده  
بود و محتاج بتجدد بود نظر بود رسیدگی و تحقیقات  
عمل آمد شکایت به پیوچونه قابل توجه نشده مجدداً



قبوای خود را نمی تواند تغییر بدهد اولاً این لفظ  
قبوای خود را نمی تواند تغییر بدهد بلکه لفظ مجملی  
است تغییر بدهد مراد چیست قبولی خودش را نمی  
تواند تغییر بدهد یعنی نمی تواند عوض کند چور  
دیگر بنویسد یا آنکه باید وجه را بدهد و ملزم به ادای  
آن وجه است ظاهر عبارت این است اگر مراد  
این شق اخیر باشد ذمه او راچه مشغول کرده است  
که می خواهد او را ملزم بکنند به ادای آن وجه  
برای اینکه این عنوان را عنوان حواله گفته نیست  
اگر عنوان عنوان حواله شد که بحیل و معحاله و معحال  
علیه باشد که این آن شکل نیست و اگر عنوان  
عنوان و کالت است که آن هیچ نصور نمی شود و  
فرض آن که این عنوان باشد آنهم پازاشغال ذمه  
برای آن قبولی نویسنده نمی آورد پس اینجا  
که می نویسد قبولی نویسنده ملزم به ادای وجه  
است صحیح نبست غلط است ملزم به ادای وجه  
نمی شود چونکه در آن ماده اولی که در پیشنهاد  
آفای حاجی امام جمعه بود که آن برای کننده در  
صورتی که بنویسد در برآش کمن این بول را  
کرفتم ذمه او باشغال خود باشی است قاداء وجه پشود  
و چیزی که ذمه او را بری و ذمه دیگری را مشغول  
پسندیده در این بین نمی شود این است که بنده  
این ماده را در اینجا هیچ معنی از برآیش نمی  
فهم یعنی صحیح نمی دارم دامما ان پیشنهادی  
را که آفای حاج امام جمعه خودشان  
فرمودند بهمن تفصیل که عرض کردم باید مراعات  
ماده اول تمام شود و عقبه بنده این است که پیشنهاد  
هائی را که نرق کذاشتند اند بین مواد بوده این ماده  
با آن پیشنهاد مخالف می شود حالا آن را بنده مفصل  
اینجا عرض نمی کنم و عرض می کنم خودشان هم  
قدرتی التفات فرمایند پیشنهاد خودشان را اگر  
منافا ای با این ماده تصور کردند پیشنهاد خودشان

حاج و کیل الرعایا - اسلا فانون برای  
منفعت رساندن است ورفع خطر و ضرر اگر این دو  
در نظر نباشد لازم نمی آید این مذاکرات می  
خواهم ببینم که تجارت از چه راه بهتر در وسعت می  
رفتند از حکدام راه درستگی بندۀ عرض می کنم که  
قبولی نوبنده را هیچ مسئول ندانیم دست تجارت  
خوبی باز است و خوبی کمک بتوجه کار آنها کرده ایم  
که هیچ مشروطیتی بقبولی نوبنده ندانیم برای  
این هر ضرر خودم بندۀ دلایلی دارد دلایل بنده را  
پستجویید و آنوقت اگر لازم دانسته بود که بر قبولی  
نوبنده هیچ چیزی را لازم ندانیم و نگوئیم مددون  
است و نگوئیم آن شخصی که بولش را با اداده است  
او معقول است دیگر بکلی مطلب تمام است شرعاً و  
عقلاءً و تجارت آش موافق می شود با فانون بین -  
المللی هم موافقت دارد این است که می خواهیم بک  
چیزی بآن قیوای نوبنده وارد کنیم بندۀ هر ضرر می  
کنم که این تجارت را در حق مواند از دو خلاف  
ابنکه در آنجا فرمودند که خپرا اگر ما بخواهیم قبولی  
نوبنده را پدھکار بدانیم تجارت در تنگی و سختی  
می آفتند بندۀ بکلی بر ضد این عقیده هستم اگر ما  
بخواهیم قبولی نوبنده را مسئول بدانیم آنوقت

رئیس — مذاکرات کافی نیست؟ ( گفتند  
کافی است ) .  
اصلاحی آقای حاج امام جمعه پیشنهاد کردند اند  
خوانده میشود .  
( بعبارت ذبل قرائت شد ) .  
بعجای لفظ ( کفیل ) ( دیون ) نوشته شود .  
رئیس — رأی می کنیدم به اصلاح آقای  
حاج امام جمعه .  
آذایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند  
قیام نمایند .  
( اغای قیام کردند ) .  
به اکثر بت تصریب شد .  
اصلاحی هم آقای ارباب پیشنهاد کردند اند  
خوانده میشود .

برات کنندۀ این خواهه بخود را باشکنی که اول بر داده است و او مددیون است و باید بددهد بلی این پل چیزی است چون این ماده آنوت از مجله کذشته است مامی تو اینم ماده رام یک تصحیح بکنیم و آن این است که کاهی بشه پل یولی پل نفر می دهم رمی خواهم که حوانه کند پول شهر دیگری چون من واو حاضریم معیبل و معاو هر دو حاضریم معحال علیه حاضر نیست که این مرا بددهد آن آدم را هم می شناسم و اعتبار احراز کرده ام که آدم معتبری است و می خواهم یول من از ذمه این پرورد بدمه او اکر مابخواه و راضی شدم و او هم بیول کرد این یول میرون ذمه او چون ساق چین دیدم که مقصود آن این بود که هم آن ماده که سابق از مجلس کند بشود برات گیرنده اوای میتواند بر ات را بدل دیگری انتقال دهد و دویعی بسیمی الی آخرهاده .

**ارباب سپه خسرو** — چون در اینجا نوشته است برات کنندۀ اوای میتواند به اسم دیگری برات گند این اشتباه شده است و بقایون تجارت علطف است برای اینکه با آن شخصی که برات رسیده است اینطور نبست که آن برات را ضبط کند و برات دیگری با اسم آنکس که بعداز او است بنویسد بلکه در فناون تجارت برات را بدیگری می فروشند و همین طور که دست بدهست میگردد می فروشند حالا اگر نمی خواهند به لفظ فروش باشد انتقال بنویسند والا اگر این قید نشود بکلی اصل مقصود را نمیرسانند .

**آقا شیخ ابراھیم** — چون مانصور کردیم

که در برات انتقال نیست یعنی بیع و شری در آن تصور نمی‌شود مقصد از انتقال همان حواله دادن است یعنی او پول مبدهد و این را حواله مبدهد یکسی دیگر والادر برات مالک انتقال و بیع و شری توانیم تصور بکنیم که برات چطور بیع و شری می‌شود.

**رئیس** — رأی می‌کیریم به اصلاح آفای ارباب کیغصرو.

آفایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند فیلم فرمایند (ردشد).

ماده چهارم و پنجم را کمپیون عیناً تصویب کرده است ماده ششم فرات می‌شود.

**ماده سیم** — هر کاء کسی که برات بجهة او است از قبولي نوشتن امتناع کنند دارند برات ببرات کنند اولی در صورت تعداد ابادی می‌توانند بقرار نسب هر لاحق بسابق جمیع کنند.

رئیس — مخالفی نیست ؟  
(گفته‌ند خیر) •

ماده ششم فرائت بخود ماده پنجم همان ماده  
ایق است .

ماده ششم . شخصی که برات باشد است هر کاه  
برات را قبولی نوشت قبولی خود را نمی تواند  
تفعیر بدهد .

تبیه — قبولی نویسنده نباید قبولی خود را مغلق  
بشرط نماید .

حاجی امام جمعه — این فرمایشانی که وزیر  
کردند و آنای مغایر فرمودند بنتظر بنده چاپش

طور دیده نوشته شده است این است

نوشته شده والا در موقعی که قبولی نویسنده  
ادای این وجه امتیاع نماید بحواله کنندۀ رج  
می شود اما بنظر بندۀ چون اصل مطلب آن است  
هم آن است آنرا یک ماده دیگری قرار بدهیم  
آن حواله کنندۀ های اولی بهمان ترتیبی که و  
کفت رجوع کنند در صورتیکه آن قبولی نوی  
رد حکرد به ارادی ما بون تا بر گردد بعد  
دهندۀ اولی .

حاج شیخ اسد الله — در ماده می نویسد اشخاص  
که برات به او برات شده است هر کاه قبولی نو

گردن بتوانند نکول نمایند و این که آقایان را به اشتباہ انداخته است اینست که در خارجه برات داشتر ط قبول می کنند مثلاً بلکه برانو که میروند شرط ممکن کنند که این برات چون امانت است قبول می کنند اگر وجه آن رسید می دهیم والا نمی نوایم بلطفیم والا مطلق قبولی نوشتن ابدآ معمول نیست که بعداز قبول بگوید نمی دهم مثلاً اینجا شخصی برات نوشته ومهده باشند که قبولی نوشت ابدآ ممکن نیست که ندهد بلکه دیگر اینکه فرمودند در برات اعتبار برات دهنده معتبر است صحیح است همین طور است الا اینکه حواله کنند را هم ملاحظه می کنند بلکه تاجری بعده دو نفر حواله می دهند که بلکه معتبر است و بلکه غیر معتبر مسلماً آن برانو که بعده شخص معتبری می دهد برات گیرنده تو مانی بلکشاھی علاوه مو دهد برای اینکه بعده آشخاص معتبر برات او را رد نمی کند و ممکن است قبولی بنویسد و وجه را ندهد این را هم که آنای آنطاف معتبر بلک آدم نگره باشد ممکن است قبولی بنویسد و فرمودند که عنوان برات عنوان وکالت است همچو نیست عنوان برات در واقع عنوان بلکه مواجهه نلایه است بلکه نفر حواله می گزد بلکه نفر هم قبول می کند بعد از آنکه قبول نکرد این بسیاره او وارد می آید و او اینجا بخواهد این مسئولیت را بگلی از عهده برات گیرنده یعنی آنکه که به او حواله می شود سلب بگنند بلکه دشته تجارت و روزات را متذکر می کنند و اینه آن قانون سایه

را بلفظ (مدیون) تبدیل نماینده بهتر است (کفیل را کلیه) خبیلی بهتر از این قانون می‌دانم و این قانون اگر بگذرد غیر از این که ترتیب برخات را متزلزل بگذارد هیچ فایده ندارد یعنی هم نوشته است که هر گاه قبولی نویسنده بعد از نوشتن قبولی وجه برخات با قسمتی از آن را نپرداخت دارندۀ برخات نکاف است که برخات خود را به (برخاست) برساند اینجا هیچ علت پرخاست را نتوشت است که نیز داخلن بواسطه عدم قدرت و در شکستگی میباشد یا اینکه از روی اجبار قبول نوشته است و میخواهد وجه را ندهد بنده این را بهیچ وجه نمی‌فهم بجهت اینکه شخصی که قبول کرد ملزم است و بر عهده او است که وجه برخات را برخاسته باز برخات نوشته است که بس از آن دارندۀ برخاسته مختار است که وجه تأثیره شده برخات را از قبولی نویسنده باز برخات نکنده اولی و یا از ایادی متوسط بترتیب رجوع هر لاحق سابق خود مطالبه و دریافت نماید تصور می‌کنم که این هم هیچ صورت متعبعی ییدانمی‌گزند بواسطه این که بطوری که بنده عرض کردم قبول کننده برخات هنگامه بر عهده او است باید وجه برخات را بعداز نبولی نوشتن بدهد و در این صورت این چه اختیاری است که به برخات کیرنه میدهد که حق داشته باشد از برخات دهنده اولی یا از ایادی متوسط مطالبه وجه بگزند و اگرچنانچه آقای وزیر عدلیه فرمودند برخات دهنده موجب اعضا یا افراد خودش تاوقتی که وجه برخات پرداخته نشده مشغول الذمه است بنده نمی‌دانم این چه اختیاری است که به برخات کیرنه میدهد که از قبولی نویسنده هم بعد از

اگر بنا شود که دولت انحصار بخودش نماید و خودش اداره بنماید مردم هزار کار دارند و کارشان زمین میماند مثل آنکه از سیز دار پمشهد ممکن است قاصد سه روزه برود و کاری دوست دولتی نماید از راه رسمی منزل به منزل برود خیلی طول خواهد کشید و این هیچ جهتی ندارد که بر تجارت تحقیق بشود که حق نداشته باشد کاغذی بتوسط مکاری وغیره بفرستند و اینکه در ماده سیم تسجیل شده و پیارنامه مکاری است بعقیده بنده کلپتا وصول برای طرف مقابل معتبر می شود و این امر بناید سهل نر باشد و مردم را نباید بتعذیق انحصار انداخت که کارشان بتمویق یافتد بواسطه اینکه یست از راهی که ده روزه میرود اگر مردم را از طرق نزدیکتر ببرند دور روزه میرند.

**کاشف** - این اظهارات حضرت والا در این موضوع هیچ صورتی ندارد بجهة اینکه دولت عیشووهاد برای جهانی که پست مرتب و منظمی هست بواسطه انحصار آن ترتیب را بدهد در جهانی هم که اداره پست نبست و وسایط حمل و نقل نباشد اداره ناسیس خواهند کرد برای سرعت حمل و نقل اگر بنا بشود همه کس آن اختیار را داشته باشد هیچ ممکن نیست که دولت موافق بشود به این کار و این مطلب عمومیت دارد در همچنانه با دولت است و بنده تعجب میکنم از آنها که مخالفت میکنند در همه جای عالم پست منحصر به دولت است و هیچ کس نمی تواند غیر از دولت یعنی اشخاص مختلفه نباشد ترتیب اداره پست بدهند این چیزی نیست که مذا در داشت باشد عقبه ام اینست که رأی کفر نمود.

**مقین السلطنه** - در فصل ثانی بنده مخالف هستم ولی کاغذ پاکات باید بتوسط دولت باشد و ایراد محمد هاشم میرزا وارد پست برای اینکه پست مسلم زودتر از قاصد حرکت می کند و تقاضی که پست در آنجا نباشد البته آزاد خواهد بود و اما در باب مسافر و بارو بنه یک ایرادی وارد است و آن اینست که این مسافرین را عجالت باهین حمل و نقل و سختی در کاری های پستی قبول می کنند و حمل می کنند بواسطه پولی که از مسافرین گرفته می شود مخصوصاً جبران آن پولی است که از آنها گرفته می شود می کنند. آفایان نمایند کان اغلب میوقند که حمل و نقل بارها پست در تمام نقاط خیلی اسباب اشکال خواهد شد و اگر آن مسافر رئیس - شاهزاده هستید.

**صقین السلطنه** - حیر انحصار اینکار را به پست خانه صلاح نمی دانم و غلط میدانم یعنی مسافرین و بنده را بعلت اینکه معنیش این میشود که صاحبان را محمل و نقل میکنند و این مستلزم این میشود که قراردادی از برای حمل پست بینندیم و آن قراردادی که ناره از برای حمل پست تنها بخواهد بیندید آن گرانتر خواهد بود از اینکه حالت است بواسطه این که چنانچه حالا عرض کردم و این تنها اگر باشد ضرر ندارد فقط مسافر مختلقه اسباب اشکال می شود و صرفه ای هم ندارد یعنی انحصار بخودش بدهد و مسافرین را خودش ببرد و حمل و نقل به آنها بارگیر

فقط عرض می کنم یا کات لفظ ای کیکی است خوب است یا کتیها بنویسند.

**رئیس** - ماده دوم فرائت می شود.

ماده ۲ - از لایحه وزیر اداره بست افتیاز فقرات ذیل را بطریق انحصار دارا است.

اول - حمل و نقل منظم و مقرر مسافرین و بنده آنها از راه خشکی و آب.

ثانیاً - حمل و نقل مسافرین و بنده آنها توسط دستگاههای فوق الماده.

ثالثاً - مراislات اعم از اینکه سرباز باشد یا سر برسته.

رابعماً - کارتهاي پستي.

خامسماً - جراید و اعلانات و اوراق اخباریه.

تمرکز نامه - صورت قیمت اشیاء و اوراق از هر قبیل در صورتی که اسم کبر نمایند در روی آنها نوشته شده باشد.

سادسماً - امانت پستی کمپیوون عیناً تصویب کرده و د.

**افتخارالواعظین** - اینجا در رایورت کمپیوون فوائد عالی در ذیل اصلاحات این قانون که تقدیم مجلس می نماید ملاحظه خواهید فرمود که اینجا از طرف کمپیوون تقاضای فوریت می شود و بنده استدعا می کنم از آفای رئیس که فعلا در فوریت آن موافق تقاضای کمپیوون رأی پکیزند.

**رئیس** - موقع کشید قبیل مراجعت قبل از آنکه داخل مواد بشویم می خواستم تقاضا بفرمائید حالا دیگر موضع نیست.

**حاج عزالممالک** - بنده انحصار مسافرین را نبست بد استغلال می دانم بجهت اینکه مسافرین که از خطی حرکت می کنند چطور می شود انحصار کرد این راخوب است تو صبح بدنه معاون وزارت پست و تلکراف این انحصاری که در اینجا نوشته است نه این است که هر کس می خواهد مسافرت کند مجبور است که با پست دولتی حرکت کند پست دولتی را باید نظر به این کرد که مردم البته باید بیک مسافرتی که موکنند چون این مسافرت بتوسط کاری هاست که اینجا نوشته شده است مسافرینی که بواسطه آن کاری ها حرکت می کنند باید کاری های آنها پستی باشد این را لاید باید از طرف دولت یک شخصی اختیار داده شود تا اینکه آن شخص که میباشد این کار را بسکنه باید موافق یک قوه نامه بیاید از دولت اجازه و امتیاز بگیرد و این حمل و نقل را بکند و چون دولت دارای یک پست منظم و مرتبی است پس بهتر این است که این امتیاز با خود دولت باشد و به آن کس که از طرف دولت مأمور این کار است و بتواند همه قسم ضامن حمل و نقل مردم باشد این انتیاز را بدهد.

**محمد هاشم میرزا** - بعقیده بنده این ماده باید خسوسی باشد بجهت اینکه تمام نقاط ایران که پست ندارد و خیلی اسباب اشکال است برای مردم مخصوصاً در بعضی نقاط هست کاغذ های که با پست فرسنده می شود شش روزه مبررس و اگر بقاصد و مکاری بدهند دو روز میرسانند و این

مسئله گفتگو گفته داش آقایان علماء هم حاضر باشند یک تغییر بدene د.

**رئیس** - این مطلب راجع با پنجا نیست.

**حاج معین الرعایا** - تمامی می کنم.

**رئیس** - موافق اینجا نیست - شود اول این قانون تمام شد ارجاع می شود با اصلاحات بکمپیون.

دوفیقه تنفس داده می شود بعداز تنفس قانون پستی است.

**رئیس** - رایورت شعبه پنجم این قرائت می شود (دایورت مزبور بهضمون ذیل فرائت شد) شعبه پنجم ۳ جلسه برای رسیدگی با انتهای نامه سالار الملک منتخب گروسی در تخت ریاست آنای معاشرالملک منعقد گردید چون مذا کرده شد سالار الملک در هنگام انتخاب بسریعی و ریاست فوج گروس برقرار بوده از وزارت جلیل جنگ کتبی تحقیق و معاوم شد در هنگام انتخاب سالار الملک برای است فوج مقرر بوده هنوز سرتیپ و دنبیس فوج مزبور است اینا مطابق فقره چهارم از ماده هشتم نظامنامه انتخابات مجلس شورای این انتخاب باطل است و شعبه پنجم آنرا بااتفاق آراء رد می نماید و باید تجدید انتخاب شود وغیر شعبه امان الله رئیس - رأی می گیریم با این رایورت شعبه پنجم که انتخاب سالار الملک رد گرده است.

**آقا شیخ علی شیرازی** - بنده عرضی دارم رئیس - بخلاف هستید.

**آقا شیخ علی** - بلی

**رئیس** - حالا که مخالف هست بماند برای جلسه دیگر که طبع و توزیع شود قانون پسندی جزء دستور امروز است دعنه اگر این در کلیات باید بشود مخالفی نیست.

(اظهاری نشد)

**رئیس** - رأی می گیریم که داخل در شور مواد بشویم آفایانی که موافقند قیام نمایند.

(با اکنیت تصویب شد)

ماده ۱ - از لایحه وزیر - اداره پست مکلف است که اولاً مسافرین و بنده آنها را با اینها می پسته ای - اشیاء مفصله ذیل را در تمام مملکت قبول و حمل و توزیع نماید.

پاکات معمولی - پاکات و سایر اشیاء سفارشی پاکانی که حاری وجوه بیمه شده هستند - امانت های بینی سربع السبر - امانت های پستی بطي العير - کارتهاي پستی - جراید و مطبوعات از قبيل مستورهای مال التجاره اوراق کارمن اسلامات راجع به اداره این مجانا حمل و نقل می شود.

ثانیاً - برواتی (مانند پست) بدهند که در دفاتر پستی داخله مملکت تأثیه بشود (کمپیون و بنده انصوصی کرده بوده)

**رئیس** - با اماده ادل مخالفتی نیست.

**حاج شیخ الرئیس** - بنده مخالفتی ندارم

[پیشنهاد آفای حاجی امام جمعه را بطريق  
قرائت کردند] .

ماده ۶ - شخصی که باو حواله شده  
هر کاه برات را قبولی نوشت باده وجه قبولی  
ملزم است .

توضیح - قبولی نویسنده در صورتی ملزم  
ادا و وجه است که برات گیر نده اعتبار دارانی اورام  
بوده نقل این وجه را بذمه او راضی شود والا  
موقعی که قبولی نویسنده از ادای این وجه امتن  
نماید بحواله کننده رجوع خواهد نمود قبولی ا  
علق پشرط باشد .

**حاج امام جمعه** - این را باید ملتفت ش  
آن قسمتی که اول خوانده شد آن اصلاح بنده ا  
آن ماده است که از مجلس گنشته است آن شه  
که باو حواله شده است هر کاه برات را قبولی ن  
باده وجه قبولی نویسنده خود ملزم است) این  
ماده است که گذشته است و همان اشکالانی که .  
وزیر گفتند بیدا میکند و فرض بنده این بود که  
جزه اول اصلاح بنده مبنی باشند از این است که  
نما بندگان بخواهند که آن ماده که گذشته  
بیکلی نسخ شود و اصلاح بشود این اصلاح بنده  
اصلاح میکند والا مقصود دیگری نداشتم مق  
بنده در آن بود که آنرا ماده فراد دادم که  
کردم و منظود هم همین بود که ذمه حواله ک  
اولی که آنجا گفته اند [الاندار آبری] نمی شو  
آن قسمت اول جزء اصلاح بنده نیست .

**رئيس** - رأی میکنیم این اصلاح آقا  
که قابل توجه می دانند قبام نمایند .  
[رد شد]

**رئيس** - آفای مدرس پیشنهاد فرمد  
که بجهای لفظ حواله لفظ برات نوشته شود .  
**آقاسید حسن مدرس** - به  
رئيس - در این جامعه چیزی نیست .  
**آقاشیخ ابراهیم** - کلیات این زیادی  
شخصی که برات بهده اوی شود این عبارت قاطع  
**آقاسید حسن مدرس** - بنده یات تو ض  
داشتم .

**رئيس** - درجه خصوص  
**آقاسید حسن مدرس** - در همین برا  
حواله توضیحی داشتم اگر جایش هست عرض  
رئيس - جایش نیست .  
(ماده ذیل را کمیابیون پیشنهاد  
بود )

ماده (۱۲) - مواد ۹۰ و ۴۰ که اصلاح  
۳ ماه پس از اعلان و اشار آن به قسم اجراء کن  
خواهد شد .

**هیئت الرعایا** - این ماده درمه و ذمی خوب است  
مواد سابق از کمیابیون برگشته باشد و اگر ازا  
کمیابیون پرسیم هیچ کدام مطلع نخواهند بود  
این جهه بنده تقاضا می کنم از مجلس شورای  
موافقت کند این چند ماده را درجع بگذند بتو  
تجارت چون این ماده همیلا به تجارت است در

را هیچ دخیل ندانیم و بگوئیم مسئول نیست پایه  
باوهم حق رجوع داده باشد چنانچه در آن ماده نوشته  
شد در ذیل آنهم این باید باشد که قبولی نویسنده  
نمی تواند قبولی خودش را تغییر بدده یعنی بگوید  
که من قبولی نمی نویسم و نمی دهم بعداز قبولی که  
نوشت قبولی نویسنده محسوب است از اول اگر  
میخواست قبولی ندویسد حالا که نوشت قبول گشته  
محسوب است .

**حاج عزالممالک** - آنچه تابع ال معمول  
تجارتی بوده است که بنده اطلاع دارم که اگر  
برات گذشت و جه را بقبولی نویسنده رسانده بود  
قبولی نویسنده مدیون میشد و اگر تابعه بگذشت که  
 فقط کاغذ بوده است و برات گذشته نتوانسته است  
بان قبولی نویسنده پولی برساند آنوقت با آن برات  
گذشته بر میگردد و مطالبه میگردد و هر ض  
می کنم این ماده مهم است فقط می نویسند  
نمی توانند تغییر بدده - نمی توانند تغییر بدده -  
اورا ملزم نمیگذشت باشند که ادای این را بگذشت تا  
اینکه آن کسی که برات در دست اواست بتواند  
مطالبه بگذشت گرچه در ماده سابق نوشته که قبولی  
نویسنده هم ملزم است ولی در صورتی که نویسند  
مطلوب میگردند و این حق بر او تعلق نمیگیرد و  
باعتقاد بنده باید همانطور نوشته شود مثل ماده  
سابق که قبولی نویسنده هم همانم است و برات گذشت  
هم مدیون خواهد بود برای زاینکه اقرار میگذشت  
که من کرفتہ ام اگر همین طور معمول شود که  
قبولی نویسنده ملزم باشد تا وجهی از برات گذشت  
پیش او نباشد نخواهد قبولی نوشته اگر وجه پیش  
او نباشد قبولی لازم نیست پنوند نگذول میگذشت  
والا تا پلک مدنی که حق دارد آنوقت بیاورد با  
قبولی پنوند نگذول گند و اگر گفته شود که  
 فقط بقبولی او مدیون نخواهد بود پهنه قبولی  
نویسنده مدیون نخواهد بود باعتقاد بنده همین  
ایراد هم باده اول وارد خواهد آمد بجهت اینکه  
در ماده اول هم پلک کاغذی است که او مدیون میشود  
آن را م قانونی کردیم و به عرض نوشتن آن برات  
مدیون است آنهم باید مدیون باشد و الا او هم که  
برات می نویسند چنانچه خود آفای مخبر توضیح دادند  
هیچ فایده نخواهد داشت و ملزم هم که بیورد باعتقاد  
بنده آنوقت آن ماده رویم ام خواهد بود که کسی  
که ملزم نشود بمحض این ماده آنوقت هم برات  
گذشت همیون نشودهم قبولی نویسنده و بعداز آنی  
که این دو شرط شده باشند کدام آنها پولی پیشان  
نباشد قبول نخواهد گرد که اگر برات گذشت و جهی  
رسانده بود به آن قبولی نویسنده مدیون همان  
قبول نویسنده باشد و اگر قوایست و جه برساند مدیون  
همان برات گذشت اولی باشد .

**رئيس** - گویا مذاکرات کافی باشد [بعضی  
گذشتند کافی است ]

**رئيس** - اصلاحی که آفای حاجی امام جمعه  
آقا سیدحسن مدرس پیشنهاد کرده اند خوانده می  
شود . (جمعی گفتند مذاکرات کافی نیست) .

**رئيس** - شود اول است و اگر کافی نیست  
میکن است در کمیابیون اصلاحاتی پیشنهاد بگذند  
مذاکره شود .

ناکل قرار بدهیم وقتی قبول کرد میگردد اولی و  
را نمی تواند نگذول گذشتند مثل اینکه بعد از قبولی  
نویسنده بگوییم تو قبول گذشتند حالا برای آنکسی  
که صاحب برات است سهجا بیدا شده یکی آنکسی  
که برات نوشته است یکی آنکه قبولی نوشته است  
پکی آن دسایط یا بدستی که باشند دست رسیده  
است با یکی که قبولی نوشته است قبولی نویسنده

ازین داده صرفه نفوذ نموده اینکار را از ادله بسته نهادند  
نمی تواند بکند و بالمال منجر به این میشود که  
اسبابی که ایجاد حمل و نقل شود گرایش ازحالا خواهد  
شد و صرفه هم اداره بست اذین راهنموده باشد.  
رشیس - مذاکرات کافی نیست [اظهارش]

ماده ۴ - از لایحه وزیر - حمل و نقل اشیاء  
ذیل از امداد اعضا ایجاد حمل و نقل خارج است از اشخاصی  
که باشند و اسبابشان باشند آهن یا بوسیله دیگری  
که امداد آن میگیرند این قانون پذیرش نمیگیرد  
و از خوب است با آنای مغایر با آنای انتشاری است را که در  
کشتی موجود است بنزدیک ترین دفتریست تجویل  
نمی شود.

ارباب کیهانی و مدرسه ایشان که نوشته اند -  
اولاً - اشخاصی که بنه و اسبابشان باشند آهن  
یا بوسیله دیگری که امداد آن دارند از وضع این  
قانون مذکور است و با عنوان پسته ایشان یکی از  
خارج است که باید همان کشتی به قصد برساند  
ثانیاً - ارراق راجه بارهای کشتی است با  
محتوی در پاکتهای صرباز باشد مغاربی که به  
فرماندهان کشتهای فوق الماده بجهت حمل یا کشت  
ها و سایر اشیائی که از مالک ماوده ایشان  
مالک ارسال می‌شوند باید تأثیره شوند از طرف  
دولت معین خواهد گردید.

رشیس - مغالقی نیست .  
(اظهاری نشد)  
یعنی الرعایا - میخواستم عرض کنم که  
میزان مستورجات مفتاد و پنج مقاله کم است اتفاق  
باگر دید که خیر یکی جزی ایست شکستی و  
درست محفوظ نشده قبول نمی‌کند مقصود اینست  
مجبور نیست .

رئیس - مخالف دیگری نیست .  
بهجهت - اینجا می‌گویند مجبور نیست ممکن  
است در رایی دیگر حمل بشود مثلاً داده شد  
نوشه شود .  
حاج سید ابراهیم - بند عرض می‌کنم  
جوهر خشک را خوب است بنویسند و هر رنگ که  
است بکل ادوات یستی ممکن است که ادارات  
لطف مطلق معلوم نیست ثانیاً همان قوانین مذهبی  
جزء بکوئند ممکن است و حمل بکند پس خوب  
است پیش از این داده نوشته شود که آن چیزهایی  
از اسلامی در گیوه‌بیان تبدیل شده است چنانچه طی  
منوع است حملش هم منع شود .

افتخار الاعظیم - چون قوانین مذهبی  
کلمه ایست مجمل دیم و بدهی است که شامل اسایر  
ادارات ممکن است در درودی لفافه مرسلانی که حقوق مخدفعه  
پست باشند تعلق می‌کند و معمول باشد و این را هم  
جهه صرد دارد که این انتشاردا باداره بست خودش  
مکاتبهایی که در فصل ۲۰ این قانون در روی کارت  
و زیر این داده نیست ایجاد می‌کند و این خسارانی را که الان  
دولت دارد از این راه بزرگ می‌نماید و می‌شود .

تمامی - هادا اسناد ایجاد حمل و نقل می‌شود .  
کاری خانه امداده بسیم که مردم را با داری حمل  
و نقل بکنند و قنی که دولت این انتشار را می‌دهد  
جهه صرد دارد که این انتشاردا باداره بست خودش  
مکاتبهایی که در فصل ۲۰ این قانون در روی کارت  
و زیر این داده نیست ایجاد می‌کند و این خسارانی را که الان  
دولت دارد از این راه بزرگ می‌نماید و می‌شود .

حاج سید ابراهیم و بند عرض می‌کنم  
گویا یک فقره باید از اینجا استثناء شود که این  
جا نشده است و آن این که مسافرین چه باکاری  
باشد چه با هر آن را در شکنند و می‌کنند  
می خواهد باطور سریع السیر میزد و می‌شود .

یا از خبر خط بست چرا بجهت اینکه امیاز را  
سیر آن باداره بست داده می‌شود این مطلق  
مسافر را بکوئیم انتشار را می‌شود این نمی‌شود  
اما مطلق مسافر چون نیست این بکی هم باید  
آشنا شود .

کاشف - در ماده قیل گفته شده است مسافرین  
که بدو اهند باست حر کت کنند و هیچ این قیل از  
نیست که در اینجا ذکر شود که آزاد هستند می‌شود  
طود که ممکن است این آزاد هستند و هر طوری که  
بعاهند افاقت بکنند مخفی رند .

رشیس - دیگر مغالقی نیست .

دکتر حاج رضاحان - این توضیح که داده

شده مقرر شد و اگر کسی که می خواهد باست حر کت

کند این مختار است این مختار است لازم نیست که

قانون برایش بگذاریم ولزم نیست استثناء برایش

او لا - مستورجات تجاری و سایر اشیاء  
ذیل مجبور نیست .  
اولاً - اشیاء شکستی و اشیائی که  
محتمل ایجاد خطر برای اجرا باشد یا آنکه مراحل  
پستی را کیف وسایع کند .  
بمعض دست خودن جزئی ضایع می‌شود .  
ثانیاً - مراحلی که حقوق یا کمی بازه  
میگیرد و دو نشان ازدیست مقاله بیشتر دو صورتی  
که کاملاً تعب زده شده باشد .  
ثالثاً - مستورجات مال التجاره که بیش از هفتاد  
و پنج مقاله وزن داشته باشد .  
بندی توخط پست اشکال دارد .  
رابه - اشیائی که مخلول و رنگهای  
ملوونه خشک یا مایمی که جوهر در آن ها  
داخل باشد .  
خامساً - کارتهای پستی و کتابهای اوجارای مطبوعات  
و تصاویر واشکالی که مورث شورش (غذه) یامعالاف  
شیوه دوایی است اورا هم خیلی محفوظ و مطبوعش  
نموده چه ضرور دارد از این که قبول نکنند .  
افتخار الاعظیم - اینجا می‌گویند مجبور  
نیست یعنی پست در قبول کردن او مجبور نیست و  
هیارت قوانین مذهبی به [ضروریات اسلامی]  
مسئلوب آرا قبول نمی‌کند اما اگر دید که یعنی  
چیزی است قابل حمل و نقل است البته قبول می‌کند  
و اگر دید که خیر یکی جزی ایست شکستی و  
درست محفوظ نشده بجهت اینکه مقصود اینست  
ممکن است پیش مسورة است واژه تقاد و پنج مقاله  
و زنی پیشتر است خوب است اتفاق شده مقاله  
نوشه شود .  
معین الرعایا - میخواستم عرض کنم که  
میزان مستورجات مفتاد و پنج مقاله کم است اتفاق  
باگر دید که خیر یکی جزی ایست شکستی و  
درست محفوظ نشده بجهت اینکه مقصود اینست  
مجبور نیست .  
رئیس - مخالف دیگری نیست .  
بهجهت - اینجا می‌گویند مجبور نیست ممکن  
است در رایی دیگر حمل بشود مثلاً داده شد  
یا چیزی که باشد مغلوب باشد .  
آقامیرزا ابراهیم خان - اینجا اکر دفت  
کرده باشد میگویند اداره بست مجاز است باخواهی  
ماوراء البحر فرار بگذارد و تصور می‌کنم دوای  
نباشد در اختبارات راجهه باصلاح و تنظیم داخلی دوای  
محدود کرده .

آقامیرزا اسدالله - مطلب در عین جاست  
دوای را مجاز کرده که بکیزهایی بگذراند در خصوص  
اینکه مراحل و امانت داده باشد می‌شود باست  
خارجه شاید نظر اداره بست این باشد که امداده  
راییکی که ایجاده و مانظره باشد که حاج عز الممالک  
فرمودند بکند هر روز می‌گذرد می‌گذرد که این روز  
اجازه بدوایت بهم که هر قرا داده باشند  
و بدون اطلاع مجلس امیاز بگذارد .

دآمر اسماهایی خان - این فصلی را که

اینجا ملاحظه می‌فرمایند بکیزهایی است که در ایران

الآن ممکن است و این حق را دوای داده باشد که

قراری بایواب غوشش بگذارد و این چیزی نیست

که باید در مجلس در اینجا که می‌گذرد قطمه خواهد

از برای اینکه واضح و فانوی باشد این است که

توضیح می‌کنند که باخواهی ایهه شهاده و جامای

دیگر میدارد .

رشیس - مغالقی نیست .

ماده ۷ - فرایت می‌شود .

نه است .

افتخار الاعظیم - در ماده بعد خواهد

آمد .

رشیس - کدام میکنم مذاکرات کافی است

ماده ۷ - فرایت می‌شود .

من نمایم .

رئیس - مغالقی نیست .

[معافی نیود] .

ماده ۶ - فرایت می‌شود .

ماده ۶ - از لایحه وزیر - اداره بست از حمل

اجناس فیل اتفاق دارد .

می دانند قیام نمایند .

باکریت تصویب شد .  
ماده ۴ - از لایحه وزیر - فرمانده هرجا زی است  
که وارد یکی از بنادر ایران می‌شود یا در جین  
عبور در آنجا نشکر می‌شود باشد مراحل  
سایر اشیاء راجهه با تیازی اند معاون پنهان  
کشی موجود است بنزدیک ترین دفعه تجویل  
بدهد وی اشیاء ذیل ازین نامون مستثنی است  
او لا - اشخاصی که بنه و اسبابشان بازه آهن  
یا بوسیله دیگری که امیاز آن ذیل از وضع این  
قانون مذکور است و با عنوان پسته غیر از  
خارج است که باید همان کشتی به قصد برساند  
ثانیاً - ارراق راجهه بارهای کشتی است با  
محتوی در پاکتهای صرباز باشد مغاربی که به  
فرماندهان کشتهای فوق الماده بجهت حمل یا کشت  
ها و سایر اشیائی که از مالک ماوده ایشان  
مالک ارسال می‌شوند باید تأثیره شوند از طرف  
دولت معین خواهد گردید .

رشیس - مغالقی نیست .  
[اظهاری نشد)

یعنی الرعایا - میخواستم عرض کنم که

لارم است بازیکاری بعدد نه حرست بدهد

جزرا بجهة ایشکه ان عراده در راه شوشه باسیم خواهد

بکند و در صورتی لدیران حر لات دولت باشد آن

راه را شوشه بشاند و معلم باشد و این را هم

آفایان باید در نظر بگیرند

امروزه نیست به راه شود دوتا یا ششترانه از

دادرن مل التجاره باید باشند

ساده - از این راه شوشه دولت داشه باشد پس بازیک

نقل عمومی که بازیکار ایجاد حمل و نقل خودشان فرستاده

می‌شود .

\* صاعقه ایجاد حمل و نقل خودشان دلخواه و نهایند کان

آنها از قبیل سفراء و وزراء و فوتوسولها که در مملکت

ایران بست رسمیت مقنکند و در خود رجیل های سفارتی

بوجب قرار دولتی حمل و نقل می‌شود .

تمامی - مرا لانی که اشخاص مختلفه حامل

خواهند بکرد و صورت حسابهای سریادی

که تجارت بهمراهی مل التجاره خواهد

شامل معلم دیگری شده باشد در این راه می‌خواهد

داندن مل التجاره نیست .

ساده - از این راه شوشه دولت داشه باشد پس بازیک

نقل عده می‌کند و ایجاد حمل و نقل خودشان فرستاده

می‌شود .

تمامی - مرا لانی که از اتفاقهای بقطه ای ارسال

می شود که در آنجا پسته ایشانه باید

تصویب کردند .

حاج سید ابراهیم ونده عرض می‌کنم

گویا یک فقره باید از اینجا استثناء شود که این

نخادرد از برای مردمی که می خواهد در کاری

باشند بکاری کنند و در خودشان رفت

ریشه ایشانی داشت که می خواهد در

کاری داشت که می خواهد در

